

## تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر اشکال و موضوعات بیگانگی (از خود، از جامعه و از سیاست) در نزد شهروندان بالغ تهرانی

سیده معصومه غفوری کله<sup>۱</sup>، علیرضا محسنی تبریزی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۶

### چکیده

دین و نقش و تأثیر آن در ابعاد مختلف جامعه و از جمله آسیب‌های اجتماعی از جمله موضوعات مورد نظر بسیاری از صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف فکری بوده است. به همین منظور در این مقاله به بررسی تأثیر دینداری بر اشکال و موضوعات بیگانگی (از خود، از جامعه، از سیاست) پرداخته شده است. روش پژوهش پیمایش و تکنیک گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. جامعه آماری آن شامل شهروندان بالغ شهر تهران می‌باشد که از این جامعه ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری احتمالی چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. در این پژوهش برای بررسی اشکال بیگانگی از نظریه سیمن و کنیستون و برای سنجش موضوعات بیگانگی از مقیاس دین، نتلر و فیوئر، اسرول و شوارتز استفاده شده است. شاخص دینداری نیز با توجه به مقیاس گلاک و استارک در ۴ بعد احساس، اعتقاد، عمل و پیامد مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد بین متغیر دینداری و بیگانگی اجتماعی رابطه‌ای وجود نداشته است ولی بین متغیر دینداری و بیگانگی سیاسی و بیگانگی از خود و اشکال بیگانگی رابطه معنی‌دار و معکوس مشاهده شده است. در میان ابعاد دینداری، بعد پیامدی با تمامی موضوعات بیگانگی رابطه معنی‌دار داشته است و بیشترین همبستگی آن نیز با بیگانگی از خود نشان داده شده است. بیشترین تأثیرگذاری در اشکال بیگانگی را نیز بعد پیامدی داشته است و بیشترین همبستگی نیز میان این بعد با تنفر از خویشان به دست آمده است.

**واژگان کلیدی:** بیگانگی از خود، بیگانگی اجتماعی، بیگانگی سیاسی، دینداری

۱ دانشجوی مقطع دکترا جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ پست الکترونیکی:

ghafouri.masoomeh@gmail.com

۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ پست الکترونیکی: mohsenit@ut.ac.ir

این مقاله از رساله دکتری اخذ شده است.

## طرح مساله

به طور کلی از بیگانگی به عنوان تنفر یا بیزاری در احساس و نیز احساس انفصال، جدایی و دور افتادن فرد از خود، دیگران، جامعه، کار و... یاد کرده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰). دلسردی و بی‌اعتنایی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی تحت تأثیر بیگانگی باعث ایجاد شکنندگی در ساختار اجتماعی شده و اعضای شبکه اجتماعی نسبت به فرایندهای اجتماعی بدبین و دچار بیماری ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هر گونه ارتباط اجتماعی می‌شوند. لذا فردی که نسبت به جامعه به طور عام و نظام اجتماعی - سیاسی به طور خاص احساس خصومت می‌کند احتمال دارد که از همه انواع مشارکت کناره‌گیری کرده و به صف افرادی که کاملاً بی‌تفاوت هستند بپیوندد و یا اینکه در سطوح مختلف جامعه مشارکت فعال نداشته باشد (راش، ۱۳۸۱: ۱۲۹). در بروز بیگانگی نیز مانند سایر مسائل اجتماعی عللی موثر می‌باشد. اینکه چه عواملی باعث ایجاد بیگانگی در افراد یک جامعه می‌شود دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. جامعه‌شناسان علل این مساله اجتماعی را در ساخت اجتماعی جستجو می‌کنند و به دنبال متغیرهایی هستند که در ساختار جامعه منجر به احساس بیگانگی در افراد می‌گردد و حال آنکه در مقابل روانشناسان به دنبال متغیرهای فردی این مساله می‌باشند. یکی از عواملی که از سوی نظریه‌پردازان مختلف مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است دین و به عبارتی میزان دینداری افراد یک جامعه است. در رابطه با تأثیر این متغیر در بروز بیگانگی در اشکال و موضوعات مختلف آن نظریات متفاوتی وجود دارد. اندیشمندانی چون مارکس و دیگر انتقادیون دین را عامل اصلی بروز بیگانگی دانسته‌اند و کسانی چون دورکیم، یینگر، برگر و آدی از آن به عنوان عاملی قوام بخش و مانعی برای بروز نوعی از بیگانگی یعنی بیگانگی اجتماعی یاد کرده‌اند.

یونگ، ویلسون میزان دینداری پایین را عامل بی‌معنایی افراد معرفی کرده و افزایش بی‌معنایی را نیز منجر به میزان بیگانگی بیان می‌کنند (همیلتون<sup>۱</sup>، ۱۳۷۷: ۳۲۴). سراج زاده و پویافر (۱۳۸۷) در بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی نشان دادند بین احساس آنومی و کجروی و دینداری رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به اهمیت این متغیر، در این مقاله به بررسی میزان تأثیر دینداری بر اشکال و موضوعات بیگانگی در شهروندان بالغ تهرانی پرداخته شده است. در واقع مساله اصلی تحقیق حاضر آن است که تأثیر دینداری، بر هر یک از موضوعات بیگانگی و اشکال آن تا چه حد است؟

## پیشینه تحقیق

در رابطه با تأثیر دینداری بر بیگانگی اجتماعی و به طور کلی آسیب‌های اجتماعی تحقیقات متعددی صورت گرفته است. بقایی، رضوان (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی اثرات دینداری بر بیگانگی اجتماعی با روش پیمایش به بررسی اثرات دینداری بر بیگانگی اجتماعی ۳۷۰ نفر از دانشجویان دانشگاه

تربیت مدرس پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان دو متغیر دینداری و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. سراج زاده (۱۹۹۸) در تحقیقی رابطه دینداری با بزهکاری دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر تهران را بررسی نموده است. بر اساس نتایج این تحقیق دینداری با بزهکاری نوجوانان رابطه معنی‌دار و معکوس دارد به گونه‌ای که هرچه میزان میانگین دینداری نوجوانان بالاتر باشد میزان بزهکاری آنان کمتر است. نازکتبار و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران نشان دادند که تفاوت معنی‌داری بین ابعاد دینداری و میزان بزهکاری در بین دو گروه جوانان عادی و زندانی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. سراج زاده و پویافر (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «دین و نظم اجتماعی»، بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان به روش پیمایش نشان دادند که بین احساس انومی و کجروی و دینداری رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. همچنین در میان ابعاد دینداری بعد پیامدی و بعد مناسکی دارای بیشترین رابطه همبستگی منفی و ابعاد اعتقادی و تجربی کمترین رابطه را با احساس انومی داشته‌اند. بایر و رایت ۱ (۲۰۰۱)، به نقل از (نازکتبار و همکاران، ۱۳۸۵:۲۳۵)، از طریق فرا تحلیل ۶۰ پژوهش در باب رابطه دینداری و بزهکاری نشان دادند که عقاید و رفتارهای دینی، تأثیری بازدارنده و تعالی بخش بر رفتار مجرمانه فرد دارند. در واقع این فرا تحلیل، مؤید رابطه معنی‌دار و معکوس بین دینداری و بزهکاری و رفتار مجرمانه است. پری ۲ (۲۰۰۷) در بررسی رابطه میان انواع مختلف سنجه‌های دینداری مانند جهت‌گیری درونی و بیرونی، راست‌کیشی مسیحی، تجربه دینی و نیز رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان شامل مصرف مواد مخدر، الکل و تنباکو، بزهکاری، افسردگی و تلاش برای خودکشی، رابطه معنی‌دار و معکوس میان این رفتارها و دین را نشان داد.

### پیشینه نظری تحقیق

یکی از رویکردهای غالب در جامعه‌شناسی نظریات کارکردگرا و نظم اجتماعی است. این نظریات بر مفاهیمی همچون انسجام، نظم و وفاق میان عناصر نظام تاکید دارند و غالباً از مذهب به عنوان عامل کاهنده بیگانگی اجتماعی یاد می‌کنند. دورکیم ۳ از جمله نظریه‌پردازان این حوزه است که درصدد بود تا نقش دین در جوامع سنتی را تبیین نماید، وی با مفهوم انومی به تبیین کج رفتاری و انواع صور ناهنجاری اجتماعی پرداخته است. انومی در تعریف دورکیم اشاره به نوعی بی‌قاعدگی، بی‌هنجاری، آشفتگی، اختلال، اغتشاش، بی‌سازمانی و گسستگی در نظام اجتماعی دارد (آرون ۱۳۷۷: ۳۹۴). در واقع برای دورکیم انومی وضعیتی است که افراد تعهدی به حاکمیت اخلاقی جامعه ندارند و به شکل قابل ملاحظه‌ای تحت تاثیر آن نیستند. از این رو افراد احساس اضطراب، پریشانی و کمبود راهنمای اخلاقی می‌کنند، خواسته‌ها و آرزوهایشان نابسامان و تحت غلبه خودخواهی‌هایشان قرار می‌گیرد. این وضعیت شرایطی مناسب برای

1 Baier and Wright

2 Perry

3 Durkheim

جرم و انحراف است و همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد به ویژه آنها که تعلق خاطر کمتری به جامعه و ارزشهای آن دارند بیشتر در معرض رنج و دشواری و افتادن در ورطه جرم و خودکشی قرار می‌گیرند (سراج زاده، ۱۹۹۸: ۵۸). دورکیم بیگانگی را به شکل احساس بی‌هنجاری و پوچی معرفی می‌کند (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۲۶). در رابطه با دین، تحلیل دورکیم از دین برگرفته از نقشی است که دین در شکل‌گیری وجدان جمعی؛ یعنی وجدان و آگاهی اخلاقی جامعه ایفا می‌کند. (الیاده، ۱۳۷۲: ۳۲۱). به نظر دورکیم دین در افراد حس وظیفه اخلاقی ایجاد می‌نماید که از طریق آن فشار اجتماعی محرمانه‌ای را احساس کنند که آنان را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وادار می‌کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۷ همیلتون: ۱۳۷۷: ۱۷۵). در واقع از نظر دورکیم می‌توان کارکرد دین را در همبستگی اجتماعی و ایجاد وحدت در جامعه و حل مسائل اجتماعی مشاهده نمود.

یینگر<sup>۱</sup> می‌گوید برای حل «مسائل غایی» زندگی انسان مثل ناکامی، رنج، عدم اطمینان، به خصوص مرگ، مردم به ارزش‌های متعالی نیاز دارند. ایده رستگاری که به وسیله ادیان مطرح شده است راه حلی است برای «مسائل غایی». با آن که این مسائل برخاسته از خصوصیات روان شناختی افراد هستند به نوعی با مسائل اجتماعی هم ارتباط پیدا می‌کنند زیرا حل نشدن آنها موجب از هم گسیختگی‌های اجتماعی هم می‌شوند. بنابراین دین که مسائل غایی زندگی انسان را حل کرده و از نظم اخلاقی جامعه حمایت می‌کند هم نیازهای فردی و هم نیازهای اجتماعی را تامین می‌نماید (همیلتون ۱۹۹۵: ۲۰۷-۲۰۸). یینگر، دین را به عنوان نوع خاصی از تلاش و کوشش، برای انجام کارکردهای مختلف تعریف می‌کند. به عبارتی دین به مجموعه اعتقادات و اعمالی اطلاق می‌شود که در مواجهه یک گروه دینی، با مسائل و مشکلات عظیم زندگی، پاسخگویی به آن مشکلات و نیازهای ضروری را بر عهده دارد (ویلیم، ۱۳۷۷: ۴۸). در واقع دین با ارائه کارکردهای سه گانه تعیین وضعیت کنونی فرد و اجتماع، هدف نهایی و مسیر شناخت کارکرد آرامش بخشی و حذف اضطراب را در افراد ایفا می‌کند (یینگر، ۱۹۷۷: ۸۸-۸۹). از این دیدگاه نیز دین در نظم و انسجام اجتماعی و حل معضلات در سطح فردی و اجتماعی و مشروعیت بخشی به هنجارهای اجتماعی موثر می‌باشد.

پیتر برگر<sup>۲</sup> به تبیین اثرات دینداری در کاهش بیگانگی اجتماعی پرداخته است. از نظر وی، دین یکی از مهم‌ترین اشکال نظام معنایی است که جهان بیرونی را در نظامی مشخص معنی می‌کند و آن را برای تفسیر جهان بیرونی به مؤمنان القا می‌نماید (برگر ۱۳۸۳: ۷۲-۷۳). برگر دین و نظم را با هم مرتبط می‌داند و نظم را یک فرآیند اجتماعی به حساب می‌آورد. جدایی از جامعه، حس نظم را در انسان تضعیف می‌کند و کسانی که دچار چنین انزوایی می‌شوند، رابطه خود با واقعیت را از دست می‌دهند و در نتیجه این تجربه زندگی آنها نابسامان می‌شود و حالت بی‌هنجار پیدا می‌کند. یکی از اموری که تهدیدی جدی برای حس نظم محسوب می‌شود، پدیده مرگ می‌باشد و این دین است که این قبیل امور را به صورت تصویری پذیرفته، بدیهی و راستین از واقعیت در نظر می‌گیرد و تجاربی را که ممکن است باعث از هم گسیختگی

1 Yinger

2 Berger

اجتماعی و نابسامانی شود را معقول می‌کند و موقعیت‌ها و تجربه‌های حاشیه‌ای؛ مانند شورش، جنگ، خودکشی، رنج، شر و ... را که در خارج از محدوده‌های تجربه عادی روزانه قرار می‌گیرند را مشروع می‌سازد. برگر تبیین این پدیده‌ها را توجیه دینی می‌نامد. نقش توجیه دینی، مبارزه با بی‌هنجاری است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۳ - ۲۷۴).

توماس آدی<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) با طرح کارکردهای عمده دین در شش زمینه حمایتی، کشیشی، هویت بخشی، رشد دهی، هنجاری، مشروعیت بخشی و پیامبرانه به چگونگی اثرات دین در کاهش بیگانگی اشاره دارد. دین با تقدسی که به هنجارها می‌بخشد باعث نظم اجتماعی می‌شود و اهداف گروهی بر خواسته‌های فردی اولویت می‌یابد. این نظریه عوامل به وجودآورنده جرم را با ساختارهای اجتماعی یا ارزشهای نظام، که به نحوی از نظر اجتماعی آسیب دیده‌اند، مرتبط می‌داند. نکته اصلی این است فشارهایی که مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند با فرصت‌های ساختاری و فرایندهای فرهنگی در ارتباط می‌باشند (وایت و هینس<sup>۲</sup>، ۱۳۸۲: ۹۹).

هرشی<sup>۳</sup> از صاحب‌نظران نظریه کنترل اجتماعی چهار عامل اصلی پیوند شخص با جامعه که مانع از کج رفتاری فرد می‌شوند را داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها در جامعه، متعهد بودن، درگیر شدن و مشارکت، اعتقاد (ایمان) مطرح می‌نماید. به طور کلی از نظر هرشی، پیوند فرد با جامعه مهمترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فردی است و ضعف این پیوند یا نبود آن عامل اصلی کج رفتاری است (سروستانی، ۱۳۸۸: ۵۲).

زیمل<sup>۴</sup> جامعه را دارای وجودی مستقل نمی‌داند؛ بلکه آن را متشکل از تعاملات یا اعمال فردی می‌داند که زمینه تعامل افراد را نیز فراهم می‌کند. یکی از این امور که سبب تعامل افراد می‌شود دین است (زیمل، ۱۳۸۸: ۹۳). او بزرگترین دستاورد دین را ترکیب ایده‌ها و علاقه‌های انسانی می‌داند که وقتی با هم جمع می‌شوند، به صورت مفاهیم یگانه در می‌آیند. این مفاهیم برخلاف آنچه جامعه‌شناسان قبل از زیمل بیان کرده‌اند، به علت بی‌واسطه و محسوس بودن در زندگی انسان نقش دارند. از آنجا که این گونه ایده‌ها در جهان‌بینی انسان دارای تناقض هستند، دین توانسته است یک منشأ مشترک برای کل آنها پیدا کند. این منشأ مشترک در سطح اجتماعی باعث انسجام می‌شود (زیمل، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۵۴).

زیمل بیگانگی را در پوچی، بی‌قدرتی و انزوای انسان در ابر شهرها و رقابت، فردگرایی، تخصص و غلبه روح عینی بر ذهنی می‌داند (کرایب، ۱۳۸۲، ۲۶۷-۲۶۵). زیمل نمود و ظهور بیگانگی را با زندگی مردم در کلان شهرها، فردگرایی، غلبه روح عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و در نهایت دلزدگی اجتماعی مطرح می‌کند (ترنز و همکاران، ۱۹۸۹: ۲۵۹-۲۶۰).

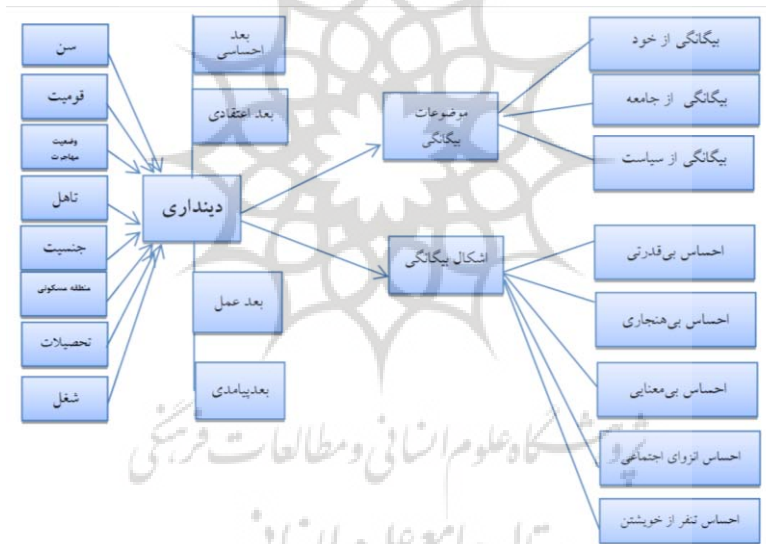
سیمن<sup>۵</sup> در زمره نخستین روانشناسانی است که با رویکرد روانشناسی اجتماعی کوشید تا مفهوم بیگانگی را در قالبی منظم و منسجم تدوین و تعریف نماید. سیمن بر این پندار که بیگانگی معلول علتی

1 Eddie  
2 White & Haines  
3 Hirschi  
4 Simmel  
5 Seeman

واحد است خط بطلان می‌کشد. به نظر سیمن، واژه بیگانگی امروزه چنان عمومیت دارد که در تبیین هر چیزی به آن رجوع می‌شود (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۰ به نقل از بیگدلی، ۱۳۷۹). وی بیگانگی اجتماعی را نوعی احساس یا وضعیتی می‌داند که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه از خود بروز می‌دهد. سیمن اشکال تظاهرات رفتار بیگانه‌گونه را در پنج نوع احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌معنایی و احساس تنفر از خویش نشان داده است (سیمن، ۱۹۵۷: ۷۸۴).

در این تحقیق به منظور بررسی اشکال بیگانگی از نظریه سیمن و کنیستون و برای متغیر دینداری از نظریه‌های دورکیم، بینگر، برگر و ادی استفاده شده است. همچنین جهت بررسی بیگانگی از خود، از مقیاس دین، نتلر و فیوئر، جهت سنجش بیگانگی سیاسی از مقیاس شوارتز، جهت بررسی بیگانگی اجتماعی از مقیاس اسرول و جهت بررسی دینداری از مقیاس گلاک و استارک استفاده شده است.

## مدل تحقیق



## فرضیه‌ها

- ۱- افرادی که دینداری بیشتری دارند نسبت به سایر افراد بیگانگی کمتری از خود دارند.
- ۲- افرادی که دینداری بیشتری دارند نسبت به سایر افراد بیگانگی اجتماعی کمتری دارند.
- ۳- افرادی که دینداری بیشتری دارند نسبت به سایر افراد بیگانگی سیاسی کمتری دارند.
- ۴- با افزایش میزان دینداری میزان احساس بی‌معنایی در افراد کاهش می‌یابد.
- ۵- با افزایش میزان دینداری میزان احساس بی‌هنجاری در افراد کاهش می‌یابد.
- ۶- با افزایش میزان دینداری میزان احساس انزوای اجتماعی در افراد کاهش می‌یابد.

با افزایش میزان دینداری میزان احساس بی‌قدرتی در افراد کاهش می‌یابد. احساس تنفر از خویشان در افراد دیندار کمتر از سایر افراد می‌باشد. متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، جنس، تحصیلات، شغل، تأهل، وضعیت مهاجرت، قومیت و منطقه مسکونی بر میزان دینداری افراد تاثیرگذار است.

## تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

### بیگانگی اجتماعی<sup>۱</sup>

تعریف نظری: بیگانگی اجتماعی نوعی احساس انفعال، جدایی و نداشتن پیوند ذهنی و عینی میان فرد و جامعه (نهادهای و ساختارهای اجتماعی نظیر خانواده، مذهب ...) است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۲).  
تعریف عملیاتی: جهت سنجش بیگانگی اجتماعی از مقیاس اسرول استفاده شده است و این متغیر به وسیله ۵ گویه «فکر می‌کنم این روزها بیان مشکلات به مسوولان جامعه چندان ثمربخش نباشد- فکر می‌کنم این روزها کمتر بتوان به کسی اعتماد کرد (روی کسی حساب کرد)- فکر می‌کنم در فکر حال بودن (دم را غنیمت شمردن) بهتر از در فکر آینده بودن باشد- فکر می‌کنم اوضاع و احوال خیلی از مردم عادی روز به روز بهتر می‌شود - فکر می‌کنم در عصری زندگی می‌کنم که کمتر می‌توانم به آینده خوش بین باشم» سنجیده شد.

### بیگانگی سیاسی<sup>۲</sup>

تعریف نظری: بیگانگی سیاسی نوعی احساس جدایی یا عدم ارتباط با یک نظام سیاسی یا احساس خصومت بارز بدان نظام را گویند (لیپست، ۱۳۸۷: ۴۱۱).  
تعریف عملیاتی: جهت سنجش بیگانگی سیاسی از مقیاس شوارتز استفاده شده است. این متغیر از طریق ۳ گویه «وقتی در مورد حکومت و ساخت سیاسی کشورم می‌اندیشم خود را با آن بیگانه حس می‌کنم- فکر می‌کنم به علت بافت سیاسی کشورم راهی جهت نفوذ سیاسی برای من موجود نیست- اوایل خود را جزئی از سیستم سیاسی و حکومتی می‌پنداشتم ولی امروز دیگر این چنین نمی‌بینم» مورد سنجش قرار گرفت.

### بیگانگی از خود<sup>۳</sup>

تعریف نظری: بیگانگی از خود در جامعه‌شناسی به معنای تجربه‌ای است خاص که موجب می‌شود شخص خود را همچون بیگانه احساس کند و یا آنکه در «من» اعضا و اجزای شخصیت وی تجزیه حاصل شده و کل شخصیت از معنی بیفتد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۶۴).

تعریف عملیاتی: جهت سنجش بیگانگی از خود از مقیاس دین، نتلر و فیوئر استفاده شده است و این متغیر از طریق ۶ گویه «اغلب احساس پوچی و بی‌ارزشی می‌کنم- این روزها سردرگم و نمی‌دانم به چه

1 Social alienation  
2 Political alienation  
3 self Alienation

چیزی اعتقاد داشته باشم- با خود بیگانه‌ام، خود را نمی‌شناسم، نمی‌دانم که هستم- فکر می‌کنم طوری گیر افتاده‌ام که نه راه پیش دارم، نه راه پس- نسبت به خودم نگرش منفی دارم- احساس می‌کنم چیز زیادی ندارم که به آن افتخار کنم» سنجیده شده است.

## اشکال بیگانگی

### احساس بی‌قدرتی<sup>۱</sup>

تعریف نظری: زمانی که فرد احساس می‌کند از نظارت کمتری برای کنترل رویدادها و حوادث به وجود آمده برخوردار است در این صورت آن فرد دچار احساس نوعی بی‌قدرتی می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴).  
تعریف عملیاتی: بی‌قدرتی توسط ۴ گویه «احساس می‌کنم تسلط چندانی بر زندگی خود ندارم- من در برخورد با مشکلات بیشتر اوقات احساس ناتوانی می‌کنم- احساس می‌کنم که از دیگران عقب‌تر هستم - من قادر نیستم به اهداف مورد نظرم در زندگی برسیم» سنجیده شده است.

### احساس بی‌معنایی<sup>۲</sup>

تعریف نظری: در صورتی که مسائل اجتماعی و فردی برای افراد یا فرد به خصوصی غیرقابل درک باشد در این صورت فرد دچار احساس بی‌معنایی نسبت به مسائل پیرامون خود می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴).  
به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸).  
تعریف عملیاتی: احساس بی‌معنایی از طریق ۵ گویه «بعضی اوقات احساس می‌کنم که این دنیا معنی و مفهومی ندارد- من کمتر در شرایط فعلی زندگی‌ام احساس روزمرگی می‌کنم- داشتن هدف و آرمان برای من در زندگی چندان معنایی ندارد- آینده زندگی‌ام برای من روشن نیست و نمی‌توانم به آن مطمئن باشم- آینده جامعه را تیره و تاریک می‌بینم» مورد سنجش قرار گرفت.

### احساس بی‌هنجاری<sup>۳</sup>

تعریف نظری: احساس بی‌هنجاری وضعیتی است که طی آن فرد با سطح بالایی از انتظار این را بر خود متصور می‌دارد که نزدیک شدن به اهداف مورد دلخواه، تنها در گرو اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نیستند (سیمن؛ ۱۹۵۹: ۷۸۸ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸).  
تعریف عملیاتی: احساس بی‌هنجاری به وسیله ۵ گویه «قانون باید رعایت شود حتی اگر عواقب خوبی برای ما نداشته باشد- برای رسیدن به اهداف شخصی می‌توان قانون را نادیده گرفت و هر کاری انجام داد- من قوانین مدون جامعه را نمی‌پذیرم و اعتقادی به رعایت آن ندارم- در اجرای قوانین بین مردم و مسوولان یکسان برخورد نمی‌شود- در جامعه ما هر کسی برای خود قانونی دارد» سنجیده شده است.

1 Feeling powerless

2 Feeling meaningless

3 Feeling normlessness



## احساس انزوای اجتماعی<sup>۱</sup>

تعریف نظری: احساسی که فرد دارد در مورد اینکه از محدوده مقبولیت اجتماعی طرد و به کنار زده می‌شود. به عبارتی فرد از متن اجتماع و ارزش‌های حاکم در آن منفک می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴، به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸).

تعریف عملیاتی: احساس انزوای اجتماعی به وسیله ۵ گویه «اغلب زمانی که با دیگران هستم احساس تنهایی می‌کنم-زمانی که به هر دلیلی دچار مشکل می‌شوم، می‌توانم روی کمک دیگران حساب کنم-بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم-در جمع و اجتماعات مختلف تمایلی به تعامل با افراد ندارم-من هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جامعه فعلی را تحت هر شرایطی رعایت می‌کنم» مورد سنجش قرار گرفت.

## احساس تنفر از خویشان<sup>۲</sup>

تعریف نظری: جدایی از خود یا تنفر از خود به احساسی اطلاق می‌شود که بنابراین میزان و درجه هر رفتاری مطابق پاداش‌های مورد انتظار در آینده تبیین می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴).

تعریف عملیاتی: تنفر از خویشان توسط ۴ گویه «من نسبت به خودم چندان نظر مثبتی ندارم-گاهی اوقات احساس می‌کنم شخصیت فعلی‌ام را دوست ندارم-خود را انسان مفیدی می‌دانم-از شرایط زندگی خود متنفرم» سنجیده شده است.

## دینداری<sup>۳</sup>

تعریف نظری: دینداری یا تدین، التزام فرد به دین مورد قبول خویش است. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات یا احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می‌زند سامان می‌پذیرد (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۷-۶۰). گلاک مفهوم دین را حول چهار محور جمع کرد و مفهوم عملی مجزایی با چهار بعد ساخت: بعد تجربی، بعد ایدئولوژیکی، بعد مناسکی و بعد استنتاجی (کیوی. کامپنهود، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

در این تحقیق نیز دینداری در ۴ بعد احساس، اعتقاد، عمل و پیامدی مد نظر قرار گرفته است. تعریف عملیاتی: بعد احساسی: دینداری در بعد احساسی توسط ۵ گویه «از خواندن دعا احساس آرامش و لذت معنوی به من دست می‌دهد-احساس می‌کنم از خدا خیلی دورم-از انجام اعمال دینی احساس خستگی می‌کنم-بدون داشتن اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی پوچ است-از اینکه مسلمان هستم خوشحالم» سنجیده شده است.

بعد باور: دینداری در بعد باور به وسیله ۶ گویه «من به وجود خدا و نقش موثر آن در زندگی اعتقاد دارم-زندگی پس از مرگ وجود دارد-انسان پاداش و مجازات اعمال خود را در آخرت خواهد دید-با ظهور امام زمان این جهان پر از عدل و داد خواهد شد-قرآن کلام خداست و هر چه گفته است حقیقت محض است-اعمال و فرائض دینی را باید تحت هر شرایطی انجام داد» سنجیده شده است.

1 Feeling of social isolation  
2 Feeling of estrangemen  
3 Religiosity

بعد عمل: دینداری در بعد عمل به وسیله ۷ گویه «همیشه نماز را می‌خوانم و نمی‌گذارم قضا شود- بیشتر اوقات روزه‌هایم قضا می‌شود- در مراسم مذهبی همچون مولودی و عزاداری ماه محرم و... اصلاً شرکت نمی‌کنم- از کتب دینی و مذهبی جهت مطالعه کم استفاده می‌کنم- بیشتر اوقات در مسجد و یا هیئت‌های مذهبی حضور دارم- به شهرهای زیارتی زیاد سفر می‌کنم- من هر زمان لازم باشد امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهم» مورد سنجش قرار گرفت.

بعد پیامدی: دینداری در بعد پیامدی به وسیله ۶ گویه «انسان خطاکار باید به شدت مجازات شود- افراد بد حجاب باید مجازات شوند- در داد و ستد تحت هر شرایطی می‌بایست درستکار بود- اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود فساد همه جا را فرا می‌گیرد- به نظرم انسان تحت هر شرایطی باید به دیگران کمک کند- عفو همیشه بهتر از قصاص است» سنجیده شده است.

### روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق و ماهیت مسئله از روش پیمایش<sup>۱</sup> به عنوان روشی بنیادی و مرسوم در مطالعات اجتماعی استفاده شده است.

### جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق را کلیه شهروندان بالغ تهرانی (بالای ۱۵ سال) تشکیل می‌دهد که بر طبق سرشماری ۱۳۹۰، تعداد آن ۶۳۱۴۲۹۷ نفر است.

### نمونه آماری و حجم آن

در این تحقیق از میان جامعه آماری عنوان شده با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای با حجم ۳۸۴ نفر انتخاب شده است:

$$n \cong \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{(1.96)^2 (0.5 \cdot 0.5)}{(0.03)^2} = 384$$
$$n \cong \frac{1}{1 - \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} \right)} = \frac{1}{1 - \frac{1}{6314297} \left( \frac{(1.96)^2 (0.5 \cdot 0.5)}{(0.03)^2} \right)}$$

### روش نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شده است: ابتدا شهر تهران به ۵ حوزه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد (نمونه‌گیری خوشه‌ای ساده)- انتخاب یک یا دو منطقه (بسته به جمعیت کلی آن منطقه) در آن حوزه و سپس انتخاب بلوک (نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم)- انتخاب خانوار داخل بلوک‌های انتخاب شده به روش نمونه‌گیری سیستماتیک- انتخاب یک فرد واجد شرایط داخل خانوار نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده.

جدول شماره ۲: تعداد نمونه‌ها به تفکیک هر منطقه و حوزه

نام حوزه	تعداد جامعه آماری	مناطق انتخاب شده	جمعیت هر منطقه	سهم هر منطقه	حجم نمونه حوزه	نمونه هر منطقه
شمال	۵۷۵۰۲۲	۱	۳۲۳۳۷۴	۹٪	۳۵	۳۵
جنوب	۱۱۳۰۵۳۲	۱۶	۲۲۹۳۵۲	۱۸٪	۶۹	۳۳
		۱۸	۳۴۶۳۷۰			۳۶
شرق	۲۰۶۲۴۳۲	۴	۶۶۶۳۷۰	۳۳٪	۱۲۵	۵۷
		۸	۳۱۳۳۷۸			۲۷
		۱۵	۴۹۸۵۸۴			۴۲
غرب	۱۳۹۹۱۶۲	۲	۵۱۹۷۸۴	۲۲٪	۸۵	۴۱
		۵	۵۵۴۹۰۹			۴۴
مرکز	۱۱۴۷۱۴۹	۶	۲۰۷۷۳۱	۱۸٪	۷۰	۳۶
		۱۲	۱۹۸۷۴۰			۳۴
جمع	۶۳۱۴۲۹۷	-	۳۵۷۷۶۱۸	۱۰۰٪	۳۸۴	۳۸۴

### روایی و پایایی مقیاس‌ها

مسئله اعتبار<sup>۱</sup> به منظور دستیابی به این که ابزار سنجش چه چیزی را می‌سنجد و تا چه اندازه از لحاظ سنجش موضوع کارا بوده است، اهمیت می‌یابد. برای بررسی میزان اعتبار، معیارهای زیادی وجود دارد: ۱- اعتبار ظاهری، ۲- اعتبار مرتبط یا معیار، ۳- اعتبار محتوا و ۴- اعتبار سازه‌ای. که در این پژوهش نیز سنجش متغیرها به اعتبار صوری به طور خاص، بر تائید اهل فن و صاحب‌نظران تکیه شده است. مسئله دیگر، موضوع پایایی<sup>۲</sup> می‌باشد. یکی از روش‌های تعیین میزان پایایی گویه‌ها، روش آزمون آلفا کرونباخ است. در آزمون مقدماتی<sup>۳</sup>، از طریق ۳۰ پرسشنامه گویه‌ها مورد آزمون پایایی قرار گرفتند.

جدول شماره ۱: ضریب پایایی مقیاس‌ها

متغیر	تعداد گویه	سطح سنجش	آلفا
بیگانگی اجتماعی	۵	ترتیبی	۰۸۳۴
بیگانگی سیاسی	۳	ترتیبی	۰۷۴۸
بیگانگی از خود	۶	ترتیبی	۰۶۸۹
احساس بی‌قدرتی	۴	ترتیبی	۰۷۱۰
احساس بی‌معنایی	۵	ترتیبی	۰۶۳۷
احساس بی‌هنجاری	۵	ترتیبی	۰۷۸۳
احساس انزوای اجتماعی	۵	ترتیبی	۰۶۲۱
احساس تنفر از خویشتن	۴	ترتیبی	۰۸۸۴
دینداری	۲۴	ترتیبی	۰۷۳۱

1 Validity  
2 Reliability  
3 Pre Test

## ابزار جمع‌آوری اطلاعات

جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته به عنوان عمده‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در مطالعات اجتماعی با روش پیمایش استفاده شده است. پرسشنامه تنظیمی متشکل از ۶۱ سوال و گویه در شکل سوالات بسته و در فرم مقیاس لیکرت می‌باشد.

## یافته‌های تحقیق

### الف) ویژگی‌های فردی و جمعیتی پاسخگویان

۴۹/۵ درصد جامعه مطالعاتی را مردان و ۵۰/۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین ۳۵/۹ درصد نمونه مطالعاتی مجرد و ۵۵/۷ درصد متاهل بوده، ۳/۶ درصد همسر جدا شده و ۴/۷ درصد همسر فوت شده می‌باشند. بیشترین درصد پاسخگویان با اندکی تفاوت با سایر گروه‌های سنی در رده سنی ۳۱-۴۱ سال قرار داشته است با ۲۷/۳ درصد. ۵۹/۷ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۴۰/۱ درصد افراد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم می‌باشند. از میان پاسخگویان ۶۳/۸ درصد فعال و ۳۶/۲ درصد غیر فعال بوده‌اند.

### ب) توصیف متغیرهای اصلی

#### ۱- موضوعات و اشکال بیگانگی

اطلاعات جدول شماره (۴) نشان می‌دهد در میان جامعه مطالعاتی میانگین بیگانگی اجتماعی ۲/۱، میانگین بیگانگی سیاسی ۱/۸، میانگین بیگانگی از خود ۱/۹ بوده است. به عبارتی می‌توان استدلال کرد از بین موضوعات بیگانگی، بیگانگی اجتماعی در جامعه مطالعاتی نسبت به سایر موضوعات بیگانگی در سطح بالاتری قرار داشته است.

جدول شماره ۴: مقایسه درصد فراوانی و میانگین مقیاس موضوعات بیگانگی

متغیر	زیاد	متوسط	کم	میانگین
بیگانگی اجتماعی	۳۳/۱	۴۶/۱	۲۰/۸	۲/۱
بیگانگی سیاسی	۷/۸	۶۷/۲	۲۵	۱/۸
بیگانگی از خود	که ۶٪	۶۳/۶	۱۰/۴	۱/۹

اطلاعات جدول شماره (۵) نشان می‌دهد در میان جامعه مطالعاتی میانگین احساس بی‌قدرتی (۲/۵۴)، میانگین احساس پوچی و بی‌معنایی (۲/۲۴)، میانگین احساس بی‌هنجاری (۲/۱۶)، میانگین احساس انزوای اجتماعی (۲/۳۰) و میانگین احساس تنفر از خویشتن (۱/۹۹) بوده است. در واقع می‌توان استدلال کرد از میان اشکال بیگانگی، احساس بی‌قدرتی در جامعه مطالعاتی نسبت به سایر اشکال بیگانگی در سطح بالاتری قرار داشته است.

جدول شماره ۵: مقایسه درصد فراوانی و میانگین مقیاس اشکال بیگانگی

متغیر	زیاد	متوسط	کم	میانگین
احساس بی‌قدرتی	۶۶/۷	۲۱/۶	۱۱/۷	۲/۵۴
احساس پوچی و بی‌معنایی	٪۲۸	۴۸/۴	۱۳/۵	۲/۲۴
احساس بی‌هنجاری	۲۹/۹	۵۶/۳	۱۳/۸	۲/۱۶
احساس انزوای اجتماعی	۴۱/۱	۴۸/۴	۱۰/۴	۲/۳۰
احساس تنفر از خویشان	۱۰/۴	۷۸/۶	۱۰/۹	۱/۹۹

## ۲- دینداری

اطلاعات جدول شماره (۶) نشان می‌دهد میانگین بعد احساسی دینداری (۲/۵۷)، میانگین بعد اعتقادی (۲/۶۴)، میانگین بعد عمل (۲/۳۱) و میانگین بعد پیامدی (۲/۲۵) به دست آمده است. در نتیجه می‌توان گفت در بین ابعاد دینداری در جامعه مطالعاتی میانگین بعد اعتقادی (۲/۶۴) بیش از سایر ابعاد بوده است.

جدول شماره ۶: مقایسه درصد فراوانی و میانگین ابعاد مقیاس دینداری

متغیر	زیاد	متوسط	کم	میانگین
بعد احساسی	۶۵/۴	۲۷/۱	۷/۶	۲/۵۷
بعد اعتقادی	۶۷/۲	۲۵/۸	۲/۶	۲/۶۴
بعد عمل	۴۵/۳	۴۱/۱	۱۳/۶	۲/۳۱
بعد پیامدی	۴۳/۵	٪۳۸	۱۸/۴	۲/۲۵

## ج) آزمون فرضیات

فرضیه ۱: افرادی که دینداری بیشتری دارند نسبت به سایر افراد بیگانگی کمتری از خود دارند. اطلاعات جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که بر اساس سطح معنی‌داری مفروضه و ضریب پیرسون محاسبه شده بین دینداری و بیگانگی از خود ( $r = -0.255$ ) رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. در نتیجه فرض H1 مبنی بر وجود رابطه میان دو متغیر دینداری و بیگانگی از خود مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۲: افرادی که دینداری بیشتری دارند نسبت به سایر افراد بیگانگی اجتماعی کمتری دارند. اطلاعات جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که بر اساس سطح معنی‌داری مفروضه و ضریب پیرسون محاسبه شده بین متغیر دینداری و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود نداشته است. در نتیجه فرض H0 مبنی بر عدم وجود رابطه میان دو متغیر دینداری و بیگانگی اجتماعی مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۳: افرادی که دینداری بیشتری دارند نسبت به سایر افراد بیگانگی سیاسی کمتری دارند. داده‌های جدول شماره (۷) گویای آن است بین دینداری و بیگانگی سیاسی ( $r = -0.109$ ) رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. به عبارتی فرض H1 مبنی بر وجود رابطه میان دو متغیر مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۷: همبستگی دو متغیره بین موضوعات بیگانگی با دینداری و ابعاد آن

موضوعات بیگانگی			Correlations		عنوان شاخص
بیگانگی از خود	بیگانگی سیاسی	بیگانگی اجتماعی			
-۰.۲۵۵	-۰.۱۰۹	-۰.۰۷۶	Pearson Correlation	دینداری (کل)	
...	۰.۳۲	۰.۱۲۷	Sig. (2-tailed)		
-۰.۰۰۷	-۰.۲۰۲	-۰.۰۲۸	Pearson Correlation	احساسی	ابعاد دینداری
۰.۸۸۸	...	۰.۵۸۴	Sig. (2-tailed)		
-۰.۱۶۲	-۰.۵۱۷	۰.۰۷۳	Pearson Correlation	اعتقادی	
۰.۰۰۱	...	۰.۱۵۳	Sig. (2-tailed)		
-۰.۰۸۳	-۰.۰۷۹	۰.۰۴۹	Pearson Correlation	عمل	
۰.۱۰۵	۰.۱۲۰	۰.۳۴۳	Sig. (2-tailed)		
-۰.۱۸۹	-۰.۱۴۵	-۰.۱۵۲	Pearson Correlation	پیامدی	
...	۰.۰۰۴	۰.۰۰۳	Sig. (2-tailed)		

فرضیه ۴: با افزایش میزان دینداری میزان احساس بی‌معنایی در افراد کاهش می‌یابد. اطلاعات جدول شماره ۸ نشان می‌دهد بین متغیر دینداری و احساس بی‌معنایی ( $r = -0/319$ )، همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد. در نتیجه فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۵: با افزایش میزان دینداری میزان احساس بی‌هنجاری در افراد کاهش می‌یابد. اطلاعات جدول شماره ۸ حاکی از آن است که بین متغیر دینداری و احساس بی‌هنجاری ( $r = -0/282$ )، همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود داشته است و فرضیه تحقیق تأیید گردید.

فرضیه ۶: با افزایش میزان دینداری میزان احساس انزوای اجتماعی در افراد کاهش می‌یابد. با توجه به اطلاعات جدول شماره ۸ بین متغیر دینداری و انزوای اجتماعی ( $r = -0/253$ )، همبستگی معنی‌دار و معکوس نشان داده شد. در نتیجه فرض  $H_1$  مبنی بر وجود رابطه میان دو متغیر مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه ۷: با افزایش میزان دینداری میزان احساس بی‌قدرتی در افراد کاهش می‌یابد. اطلاعات جدول شماره ۸ ارتباط معنی‌دار و معکوس بین متغیر دینداری و احساس بی‌قدرتی ( $r = -0/176$ ) را مورد تأیید قرار می‌دهد. در نتیجه فرضیه تحقیق تأیید گردید.

فرضیه ۸: احساس تنفر از خویشان در افراد دیندار کمتر از سایر افراد می‌باشد. بر اساس اطلاعات جدول شماره ۸ بین دو متغیر دینداری و احساس تنفر از خویشان ( $r = -0/214$ ) همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد. در نتیجه فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

جدول شماره ۸: همبستگی دو متغیره بین اشکال بیگانگی و دینداری و ابعاد آن

اشکال بیگانگی					شاخص	
احساس تنفر از خویشتن	احساس انزوای اجتماعی	احساس بی‌هنجاری	احساس بی‌معنایی	احساس بی‌قدرتی	Correlations	
-۰.۲۱۴	-۰.۲۵۳	-۰.۲۸۲	-۰.۳۱۹	-۰.۱۷۶	Pearson Correlation	دینداری
...	...	...	...	.۰۰۱	Sig. (2-tailed)	
.۰۰۴	-۰.۰۴۱	.۰۸۰	-۰.۱۱۰	-۰.۱۷۴	Pearson Correlation	احساسی
.۹۸۲	۴۲۱	.۱۱۶	.۰۳۱	.۰۰۱	Sig. (2-tailed)	
-۰.۲۰۸	-۰.۱۶۰	-۰.۲۲۶	-۰.۱۷۰	.۰۵۰	Pearson Correlation	اعتقادی
...	.۰۰۲	...	.۰۰۱	.۳۳۳	Sig. (2-tailed)	
.۰۰۷	.۰۶۰	.۰۵۷	-۰.۰۴۸	-۰.۰۵۳	Pearson Correlation	عمل
.۸۸۶	.۲۴۰	.۲۶۵	.۳۴۵	.۲۹۹	Sig. (2-tailed)	
-۰.۳۸۰	-۰.۱۰۹	-۰.۰۷۴	-۰.۲۷۸	-۰.۱۶۱	Pearson Correlation	پيامدی
...	.۰۳۳	.۱۴۷	...	.۰۰۲	Sig. (2-tailed)	

فرضیه ۹: متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، جنس، تحصیلات، شغل، تأهل، وضعیت مهاجرت، قومیت و منطقه سکونت بر میزان دینداری افراد در موضوعات و اشکال مختلف تاثیرگذار است.

### جنس

اطلاعات جدول شماره (۹) نشان می‌دهد بین جنس پاسخگویان و میزان دینداری آنان در سطح معنی‌داری (sig) مفروضه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین فرض  $H_0$  مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیر جنس و دینداری تأیید می‌شود.

جدول شماره ۹: رابطه بین جنس و دینداری

آزمون t				آزمون Leven جهت همگنی واریانس‌ها			متغیر وابسته	متغیر مستقل
تفاوت میانگین	معنی داری دو دامنه	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	F		دینداری	جنس
-۰.۵۱۰۰	.۶۸۶	۳۸۲	-۰.۴۰۵	.۵۳۶	.۳۸۶	با فرض همگن بودن واریانس		
-۰.۵۱۰۰	.۶۸۶	۳۸۱/۹۶۶	-۰.۴۰۵			با فرض ناهمگن بودن واریانس		

### سن

اطلاعات جدول شماره (۱۰) نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با استفاده از ضریب پیرسون، بین متغیر سن و دینداری همبستگی وجود ندارد.

جدول شماره ۱۰: همبستگی دو متغیره بین دینداری و سن

متغیر	Correlations	سن
دینداری	Pearson Correlation	.۰۷۹
	Sig. (2-tailed)	.۱۲۲

### وضعیت تأهل

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین وضعیت تأهل و دینداری تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. در نتیجه فرض  $H_0$  مبنی بر عدم وجود رابطه میان متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱۱: تحلیل واریانس متغیرهای وضعیت تأهل و دینداری

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
دینداری و وضعیت تأهل	بین گروهی	۳۳۷,۹۵۲	۳	۱۱۲,۶۵۱	.۷۴۱	.۵۲۸
	درون گروهی	۵۷۷۸۵,۳۳۷	۳۸۰	۱۵۲,۰۶۷		
	کل	۵۸۱۲۳,۲۸۹	۳۸۳			

### تحصیلات

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین تحصیلات و دینداری تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. در نتیجه فرض  $H_0$  مبنی بر عدم وجود رابطه میان متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱۲: تحلیل واریانس متغیرهای تحصیلات و دینداری

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
دینداری و تحصیلات	بین گروهی	۶۹۴,۲۸۲	۶	۱۱۵,۷۱۴	.۷۶۰	.۶۰۲
	درون گروهی	۵۷۴۲۹,۰۰۷	۳۷۷	۱۵۲,۳۳۲		
	کل	۵۸۱۲۳,۲۸۹	۳۸۳			

### وضعیت فعالیت

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۳) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) وضعیت فعالیت با دینداری ارتباط دارد. در نتیجه فرض  $H_1$  مورد پذیرش قرار می‌گیرد. تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد میزان دینداری در افراد کارگر بیش از سایر گروه‌ها بوده است ۱۶/۲۶۹.



جدول شماره ۱۳: تحلیل واریانس متغیرهای وضعیت فعالیت و دینداری

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
دینداری و وضعیت فعالیت	بین گروهی	۴۹۸۱,۲۸۶	۸	۶۲۲,۶۶۱	.۴,۳۹۴	...
	درون گروهی	۵۳۱۴۲,۰۰۳	۳۷۵	۱۴۱,۷۱۲		
	کل	۵۸۱۲۳۲۸۹	۳۸۳			

### وضعیت مهاجرت

با توجه به اطلاعات جدول شماره (۱۴) بین وضعیت مهاجرت و دینداری در سطح معنی داری (sig) مفروضه رابطه معنی دار وجود ندارد. در نتیجه فرضیه تحقیق (H1) مبنی بر وجود رابطه میان دو متغیر رد می شود.

جدول شماره ۱۴: رابطه بین وضعیت مهاجرت و دینداری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون Leven جهت همگنی واریانس ها							
		F		سطح معنی داری		آزمون t			
وضعیت مهاجرت	دینداری	۶۰۸	.۴۳۶	۱/۰۱۳	درجه آزادی	۳۸۲	معنی داری دو دامنه		
							تفاوت میانگین	۳۱۱	۱/۳۹۰۹
							با فرض همگن بودن واریانس		
							با فرض نا همگن بودن واریانس		
							۳۰۵		
							۲۲۳/۱۸۱		
							۱/۰۳۹		
							۱/۳۹۰۹		

### قومیت

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۵) نشان می دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین متغیر قومیت و دینداری ارتباط معنی دار وجود ندارد. در نتیجه فرض H0 مورد پذیرش قرار می گیرد.

جدول شماره ۱۵: تحلیل واریانس متغیرهای قومیت و دینداری

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
دینداری و قومیت	بین گروهی	۸۷۷,۰۲۹	۳	۲۹۲,۳۴۳	۱,۹۴۱	.۱۲۳
	درون گروهی	۵۷۳۴۶,۴۶۰	۳۸۰	۱۵۰,۶۴۸		
	کل	۵۸۱۲۳,۲۸۹	۳۸۳			

### منطقه سکونت

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۶) نشان می دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین متغیر منطقه سکونت و دینداری ارتباط معنی دار وجود دارد. در نتیجه فرض H1 مورد پذیرش قرار می گیرد.

جدول شماره ۱۶: تحلیل واریانس متغیرهای منطقه سکونت و دینداری

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
دینداری و منطقه سکونت	بین گروهی	۶۰۷۸,۷۹۰	۱۷	۳۵۷,۵۷۶	۲/۵۱۵	۰۰۱
	درون گروهی	۵۲۰۴۴,۴۹۹	۳۶۶	۱۴۲,۱۹۸		
	کل	۵۸۱۲۳,۲۸۹	۳۸۳			

### رگرسیون چند گانه<sup>۱</sup>

مقدار R2 در جدول شماره (۱۵) نشان می‌دهد که در خصوص بیگانگی اجتماعی متغیرهای مستقل وارد شده تبیین کننده این متغیر نمی‌باشد. ۱۴ درصد تغییرات بیگانگی سیاسی و ۱۷ درصد تغییرات بیگانگی از خود به وسیله متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل قابل تبیین می‌باشد و ما بقی به سایر عوامل مربوط می‌شود که در این پژوهش بررسی نشده است. در خصوص اشکال بیگانگی ۱۴ درصد تغییرات به وسیله متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل قابل تبیین بوده است.

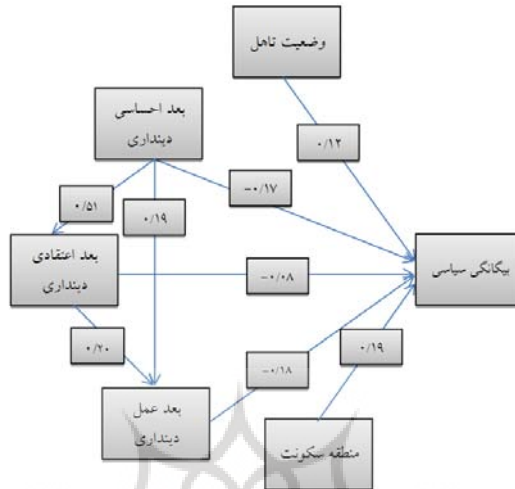
جدول شماره ۱۵: ضریب تعیین پیش‌بینی کننده موضوعات و اشکال بیگانگی

موضوعات و اشکال بیگانگی	R	((Rsquare (R2
اشکال بیگانگی	.۳۷	.۱۴
بیگانگی اجتماعی	.۲۲	.۰۴
بیگانگی سیاسی	.۳۸	.۱۴
بیگانگی از خود	.۴۲	.۱۷

جدول شماره ۱۶: آزمون معنی داری ضریب تعیین

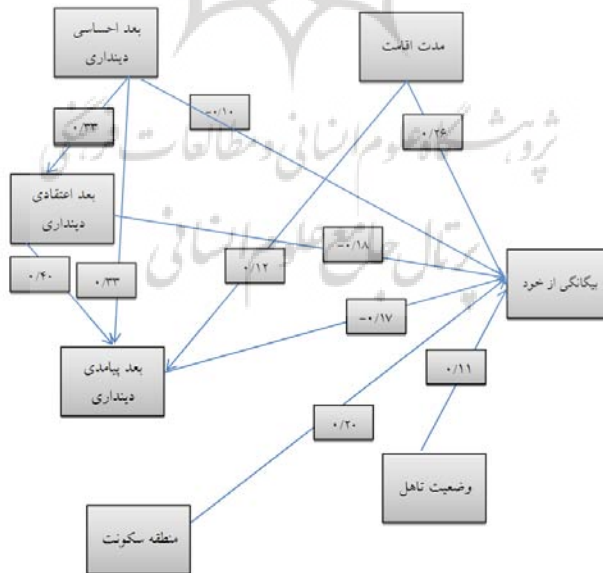
متغیر	مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
اشکال بیگانگی	رگرسیون باقیمانده	۵۱۳۳,۷۶۹	۱۴	۳۶۶,۶۹۸	۳,۹۵۷	...
	جمع	۳۱۳۲۵,۱۳۲	۳۳۸	۹۲,۶۷۸		
	جمع	۳۶۴۵۸,۹۰۱	۳۵۲			
بیگانگی اجتماعی	رگرسیون باقیمانده	۲۱۲,۱۸۱	۱۴	۱۵,۱۵۶	۱,۳۳۰	.۱۹۳
	جمع	۳۸۵۱,۷۱۷	۳۳۸	۱۱,۳۹۶		
	جمع	۴۰۶۳,۹۹۸	۳۵۲			
بیگانگی سیاسی	رگرسیون باقیمانده	۱۷۵,۰۷۵	۱۴	۱۲,۵۰۵	۴,۱۳۷	...
	جمع	۱۰۲۱,۶۴۶	۳۳۸	۳,۰۲۳		
	جمع	۱۱۹۶,۷۲۰	۳۵۲			
بیگانگی از خود	رگرسیون باقیمانده	۵۵۱,۱۶۸	۱۴	۳۹,۳۶۹	۵,۲۰۹	...
	جمع	۲۵۵۴,۴۶۳	۳۳۸	۷,۵۵۸		
	جمع	۳۱۰۵,۶۳۲	۳۵۲			

### تحلیل مسیر موضوعات بیگانگی (بیگانگی سیاسی)



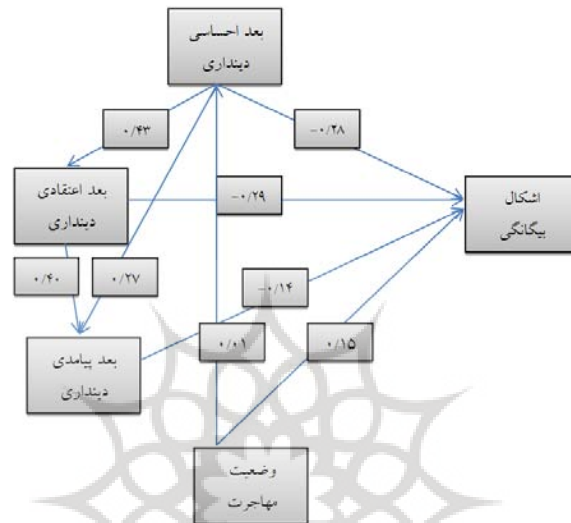
چنانکه ملاحظه می‌شود از میان ابعاد دینداری بعد عملی دینداری دارای بیشترین اثرگذاری مستقیم بر بیگانگی سیاسی است که اثر مستقیم آن  $(-0/18)$  به دست آمده است.

### تحلیل مسیر موضوعات بیگانگی (بیگانگی از خود)



چنانکه ملاحظه می‌شود از میان ابعاد دینداری بعد اعتقادی دارای بیشترین اثرگذاری مستقیم بر بیگانگی از خود است که اثر مستقیم آن (۰/۱۸-) به دست آمده است.

### تحلیل مسیر اشکال بیگانگی



چنانکه ملاحظه می‌شود از میان ابعاد دینداری بعد اعتقادی دارای بیشترین اثرگذاری مستقیم بر اشکال بیگانگی است که اثر مستقیم آن (۰/۲۹-) به دست آمده است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

#### نتیجه‌گیری

امروزه بر اثر تغییراتی که در ساختار جوامع به ویژه کشورهای در حال توسعه در ابعاد مختلف رخ داده، مسائل اجتماعی زمینه بروز و ظهور پیدا کرده است. در این راستا یکی از موضوعاتی که مورد توجه اندیشمندان در حوزه‌های فلسفی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... قرار داشته است مساله بیگانگی است. بیگانگی در اشکال و موضوعات مختلف آن از جمله آسیب‌های اجتماعی است که عوامل مختلفی در سطح فردی و اجتماعی در به وجود آمدن یا بازدارندگی از آن موثر هستند که لازم است نقش و میزان تاثیرگذاری هر یک از آنها مورد بررسی علمی قرار گیرد چرا که گسترش این مساله در جامعه نظم، همبستگی اجتماعی، سلامت فردی و جمعی یک جامعه و اعضای آن را دچار مشکل می‌سازد. یکی از عواملی که تاثیر آن از سوی نظریه‌پردازان مختلف بر بیگانگی مورد توجه قرار گرفته است دینداری است. از اینرو در این مقاله رابطه دینداری و ابعاد آن با موضوعات و اشکال بیگانگی مورد بررسی قرار گرفت.

جهت سنجش متغیر دینداری از نظریات دورکیم، یینگر؛ ادی و برگر و جهت سنجش بیگانگی از نظریه سیمن و کنیستون استفاده شده است. سیمن بیگانگی را در پنج سطح احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خویشان مطرح کرده است. دینداری با استفاده از مقیاس گلاک و استارک در چهار بعد احساسی، اعتقادی، عملی و پیامدی و موضوعات بیگانگی (از خود، از جامعه و از سیاست) با استفاده از مقیاس دین، نلر و فیوئر، مقیاس اسرول و مقیاس شوارتر سنجیده شده‌اند.

در خصوص متغیرهای اصلی تحقیق نتایج نشان داد از بین موضوعات بیگانگی، بیگانگی اجتماعی در جامعه مطالعاتی نسبت به سایر موضوعات بیگانگی در سطح بالاتری قرار داشته است. به طوری که میانگین بیگانگی اجتماعی ۲/۱، میانگین بیگانگی سیاسی ۱/۸ و میانگین بیگانگی از خود ۱/۹ به دست آمده است. همچنین از میان اشکال بیگانگی، احساس بی‌قدرتی در جامعه مطالعاتی نسبت به سایر اشکال بیگانگی در سطح بالاتری قرار داشته است. میانگین احساس بی‌قدرتی (۲/۵۴)، میانگین احساس پوچی و بی‌معنایی (۲/۲۴)، میانگین احساس بی‌هنجاری (۲/۱۶)، میانگین احساس انزوای اجتماعی (۲/۳۰) و میانگین احساس تنفر از خویشان (۱/۹۹) بوده است.

در بین ابعاد دینداری در جامعه مطالعاتی میانگین بعد اعتقادی (۲/۶۴) بیش از سایر ابعاد نشان داده شد. میانگین بعد احساسی (۲/۵۷)، میانگین بعد عمل (۲/۳۱) و میانگین بعد پیامدی (۲/۲۵) به دست آمده است.

در خصوص فرضیه‌های تحقیق، نتایج نشان داد در میان موضوعات بیگانگی بین متغیر دینداری و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی دار وجود نداشته است. ولی بین متغیر دینداری و بیگانگی سیاسی (۰/۱۰۹- $r$ ) و بیگانگی از خود (۰/۲۵۵- $r$ ) رابطه معنی دار و معکوس وجود داشته است.

همچنین در میان اشکال بیگانگی اطلاعات حاصل شده نشان داد بین متغیر دینداری و احساس بی‌قدرتی (۰/۱۷۶- $r$ )، بین متغیر دینداری و احساس بی‌معنایی (۰/۳۱۹- $r$ )، بین متغیر دینداری و احساس بی‌هنجاری (۰/۲۸۲- $r$ )، بین متغیر دینداری و احساس انزوای اجتماعی (۰/۲۳۵- $r$ ) و بین متغیر دینداری و احساس تنفر از خویشان (۰/۲۱۴- $r$ ) رابطه معنی دار و معکوس وجود دارد.

نتایج تحقیق بقایی (۱۳۸۶)، سراج زاده (۱۹۹۸)، نازکتبار و همکاران (۱۳۸۵)، سراج زاده و پویافر (۱۳۸۷)، پری (۲۰۰۷) نیز نشان می‌دهد میان دینداری و آنومی و کجروی رابطه معنی دار و معکوس وجود دارد. در تحقیق بقایی میان دینداری و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی دار و معکوس نشان داده شد که البته با توجه به آنکه در آن تحقیق بیگانگی اجتماعی با اشکال بیگانگی مطرح در نظریه سیمن سنجیده شده است که در این تحقیق به عنوان اشکال بیگانگی در نظر گرفته شده، نتیجه آن تحقیق نیز با تحقیق حاضر همخوانی دارد.

همچنین نتایج حاصل شده از تحقیق که به نقش بازدارنده دین و تاثیر منفی آن در بیگانگی و اشکال آن نظر دارد با چهارچوب نظری تحقیق همخوانی دارد چرا که از نظر دورکیم، برگر، یینگر و ادی دین در ایجاد نظم، همبستگی اجتماعی و مشروعیت بخشی و معنایابی نقش مهمی دارد. به نظر دورکیم دین در

افراد حس وظیفه اخلاقی ایجاد می‌نماید که از طریق آن فشار اجتماعی محرمانه‌ای را احساس کنند که آنان را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وادار می‌کند. در واقع از نظر دورکیم می‌توان کارکرد دین را در همبستگی اجتماعی و ایجاد وحدت در جامعه و حل مسائل اجتماعی مشاهده نمود. از نظر آدی دین با تقدسی که به هنجارها می‌بخشد باعث نظم اجتماعی می‌شود و اهداف گروهی بر خواسته‌های فردی اولویت می‌یابد. بینگر نیز معتقد است دین در نظم و انسجام اجتماعی و مشروعیت بخشی به هنجارهای اجتماعی موثر است.

چنانکه داده‌ها نشان می‌دهد بیشترین همبستگی میان دینداری با اشکال بیگانگی در زمینه بی‌معنایی است که این نتیجه با نظریه برگر مطابقت دارد. چنانکه برگر نیز عنوان می‌دارد دین یکی از مهم‌ترین اشکال نظام معنایی است که جهان بیرونی را در نظامی مشخص معنی می‌کند و آن را برای تفسیر جهان بیرونی به مؤمنان القا می‌کند.

در خصوص متغیرهای زمینه‌ای بین سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت مهاجرت و قومیت با دینداری رابطه معنی دار مشاهده نشد ولی بین وضعیت فعالیت و منطقه سکونت با دینداری رابطه معنی-دار وجود داشته است به طوری که میانگین دینداری در گروه شغلی کارگران بیشتر بوده است.

مقدار  $\chi^2$  در تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۴ درصد تغییرات اشکال بیگانگی، ۱۴ درصد تغییرات بیگانگی سیاسی و ۱۷ درصد تغییرات بیگانگی از خود به وسیله متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل قابل تبیین بوده است.

### پیشنهادات تحقیق

- با توجه به اینکه تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع بیشتر کمی بوده است پیشنهاد می‌شود ضمن انجام فراتحلیلی با روش‌های کیفی نیز این موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا نتایج و اطلاعات عمیق‌تری حاصل شود.
- تحقیقی با موضوع حاضر به صورت مقایسه‌ای بین دو نسل انجام شود تا تفاوت نسل در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. البته با تحلیل شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. چنین بررسی می‌تواند عوامل تاثیرگذار در سطح کلان را برای برنامه‌ریزان مشخص نماید.
- می‌توان موضوعات بیگانگی را در نمونه‌ای مورد بررسی قرار داد و سپس در همان نمونه علل مختلف را ارزیابی نمود. این نوع پژوهش این امکان را فراهم می‌سازد که محقق هم تمامی ابعاد را به شکل کامل بررسی نماید و نگران تعداد سوالات پرسشنامه نباشد و هم علل را به صورت کامل‌تری ارزیابی کند.
- تکرار مطالعات به روایی و پایایی تحقیق و اطمینان از خلوص یافته‌ها کمک می‌کند.

## منابع

- 0 آرون، ریمون (۱۳۷۷)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- 0 الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، دین پژوهی. ترجمه: بهالدین خرمشاهی، تهران، مطالعات تحقیقات فرهنگی.
- 0 بقایی. رضوان (۱۳۸۶)، بررسی اثرات دینداری بر بیگانگی اجتماعی.
- 0 برگر، پیتر، بریجیت برگر و هانسفرید کلنر (۱۳۸۳)، ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی، ترجمه: محمد ساوجی، تهران، نشر نی.
- 0 پل ویلم، ژان (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات تبیان.
- 0 راش، مایکل (۱۳۸۱)، جامعه و سیاست مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
- 0 ریموند، کیوی؛ لوکوان، کامپنهود (۱۳۸۱)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، نشر توتیا.
- 0 زیمل، گئورگ (۱۳۸۸)، مقالاتی درباره دین، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران، نشر ثالث.
- 0 سراج زاده، سید حسین و پویافر، محمد رضا (۱۳۸۷)، «دین و نظم اجتماعی» بررسی رابطه دینداری با احساس انومی و کجروی، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، ش ۶۳، صص ۱۰۵-۷۱.
- 0 سراج زاده حسین (۱۳۸۳)، «چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناسی در دینداری و سکولار شدن» تهران: انتشارات طرح نو.
- 0 ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
- 0 صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات سمت.
- 0 کوزر، لوییس (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- 0 کرایب، یان (۱۳۸۲)، نظریه اجتماعی کلاسیک: مقدمه‌ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم و زیمل، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران، نشر آگاه.
- 0 لپیست، سیمون مارتین (۱۳۸۷)، دایره‌المعارف دموکراسی، ترجمه: کامران فانی و نورالله مرادی، تهران، وزارت امور خارجه.
- 0 محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، «بیگانگی»، نامه علوم اجتماعی، ج ۲، شماره ۲.
- 0 محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳)، «بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی» کلمه، تهران، شماره ۱۲، صص ۲۹-۲۷.
- 0 نازک‌نبار، حسین و زاهدی، محمدجواد؛ نایی. هوشنگ (۱۳۸۵)، نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲.
- 0 ورسلی، پیتر (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: سعید معیدفر، تهران، نشر تبیان.
- 0 وایت، راب، فیونا هینس (۱۳۸۲)، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه: میر روح‌الله صدیق بطحایی اصل، تهران، نشر دادگستر.
- 0 همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، محسن ثلاثی، نشر تبیان.
- 0 Perry. Tonya R (2007) Religiosity and Risk . the influence of Adolescent Faith on Behavior " PHD. Dissertation . La Sierra University.
- 0 Seeman, M (1975): "Alienation Studies", Annual Review of Sociology. pp: 91-123.

- 0 Seeman , M. (1959)." On the Meaning of Alienation" ASR. 24: 783-791.
- 0 Serajzadeh, Hossein. (1998), Muslim Religiosity and Delinquency: An Examination on Iranian youth, Department of Sociology University of Essex, London.
- 0 Yinger (1977) A Comparative study of the substructures of Religion . Journal for the scientific study of religion 16 (1): 67-86.
- 0 Turner.J.H.&Etal. (1989)"The Emergent of Sosological Theory". Second ed. The doresy press.

